

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۴

جمعه ۳۰ تیر ۱۴۰۲، ۲۱ جولای ۲۰۲۳

دادخواهی و کیفرخواست علیه حکومت جنایت

کاظم نیک‌خواه

جامعه ایران یک جامعه زخم‌خورده و خشمگین است. حکومت اسلامی سرمایه‌داران به‌راستی حکومت مرگ و تباهی است و تمام آیات و احادیث و ساختار و ایدئولوژی‌اش با قتل و نابودسازی عجین شده است. در جهان هیچ حکومت دیگری در این ابعاد و به این سادگی در درون و بیرون زندان‌ها دست به جنایت زده و نمی‌زند. همه افراد و خانواده‌ها و بخش‌های مردم از دست این جانیان حاکم زخم‌خورده‌اند و کسانی را از دوستان و نزدیکان خود از دست داده‌اند. شرح جنایات این حکومت به‌راستی نه ممکن است و نه کمکی به مبارزه علیه این حکومت خواهد کرد. تک‌تک آنها آن چنان فجیع و باورنکردنی‌اند که توصیف گوشه‌ای از آنها نیز بسیار متأثرکننده و تکان‌دهنده است.

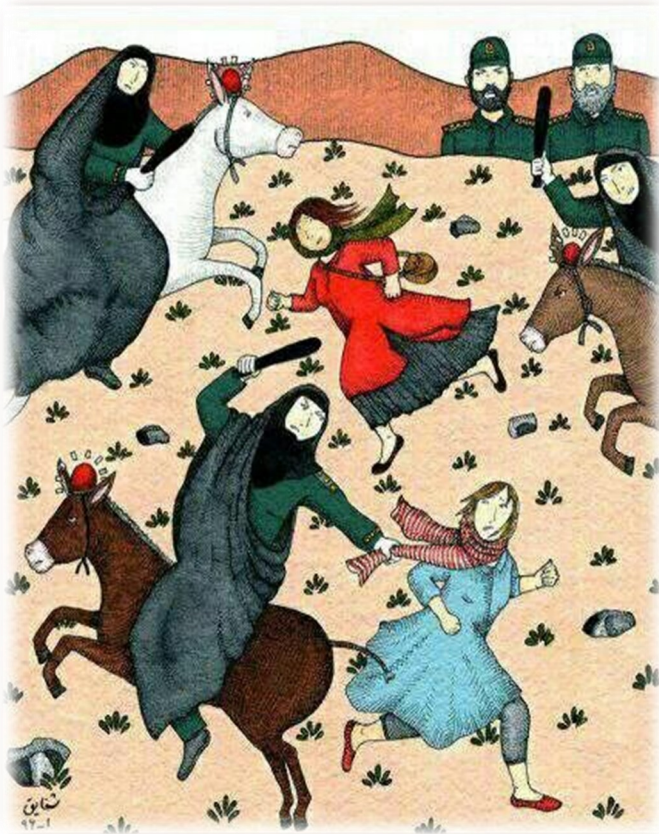
نکته بسیار مهم و حیاتی اینست که حکومت اسلامی با جنایاتش مطلقاً نتوانسته است جامعه را ساکت و مستأصل و مرعوب کند. برعکس جنگ و جدال فعال و بسیار گسترده‌ای با این حکومت در تمام عرصه‌ها به اشکال بسیار متنوعی جریان دارد و اکثریت عظیم مردم در مقابل این حکومت متحد و هم‌بسته‌اند و مصمم‌اند که این ماشین مرگ و تخریب و چپاول اسلامی را در هم بکوبند. مبارزات گسترده مردم پایه‌های این حکومت را آشکارا به لرزه درآورده است. یک انقلاب و ابر جنبش پیشرو و مدرن و انسانی و همه‌جانبه در این کشور شکل گرفته است که درست نقطه مقابل و متضاد جمهوری اسلامی است. یعنی از نظر جنبه‌های انسانی و مدرنیسم و پیشرو بودن و ضد ارتجاعی بودن در دنیا نمونه ندارد.

جنبش دادخواهی یکی از پایه‌های ثابت انقلاب و جنبش سرنگونی است که از سال‌ها پیش شکل گرفته و امر و هدف دادخواهی بازماندگان قربانیان حکومت علیه جانیان را هدف خود اعلام کرده است. این جنبش به‌صورت تجمعات، مراسم، فعالیت‌های میدانی و تبلیغات و افشاجری در مدیای اجتماعی، مصاحبه در رسانه‌ها، پخش فیلم‌ها و ویدئوها، سخنرانی و بیانیه و کیفرخواست‌های علنی و تند علیه حکومت و امثال اینها جریان دارد. فضای پرشور جنبش دادخواهی نشان می‌دهد که جامعه ایران زخم‌خورده است؛ اما عزادار و سردرگریان و سردرگم نیست. بلکه رزمنده و دادخواه است و یاد عزیزان جان‌باخته را با اعلام فعال کیفرخواست روشن اجتماعی علیه حاکمین و ظالمین جنایت‌کار گرامی می‌دارد. یاد آنها را با ادامه مبارزاتشان گرامی می‌دارد. مراسم گرامی داشت جان‌باختگان، مراسم عزاداری و نوحه و آخوند و مرثیه‌خوانی نیست. بلکه با موزیک و شعار دادن و شعرخوانی و سخنرانی‌های پرشور و سنت‌های مدرن انجام می‌شود و نقطه مقابل کل سنت‌های تاریک و عقب‌مانده و متحجر حکومت و دستگاه‌های اسلامی است. به همین دلیل حکومت اسلامی عمیقاً از این مراسم و تجمعات وحشت دارد و تلاش کرده و می‌کند که مانع چنین مراسمی شود. آن چنان از این مراسم وحشت‌زده‌اند که در بسیاری موارد اجازه تدفین قربانیان توسط خانواده‌ها را هم نمی‌دهند و خودشان گورکنان خود را راهی قبرستان می‌کنند که قربانی را در فضای امنیتی دفن کنند و این به خشم مردم بیشتر دامن زده است.

جنبش دادخواهی مردم خشمگینی را در بر می‌گیرد

که خواهان عدالت‌اند اما به دنبال انتقام نیستند.

ادامه در صفحه ۲



سالگرد انقلاب، گشت ارشاد و جنگ حجاب

شهلا دانشفر

صفحه ۳

در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی

آزادی و علیه فشارهای امنیتی

نسان نودینیان

صفحه ۴

روسیه، جمهوری اسلامی، و مسئله سه جزیره

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

صفحه ۵

سپیده قلیان حاضر به حضور با حجاب

در دادگاه نشد

شهلا دانشفر

صفحه ۷

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۸



دادخواهی و کیفرخواست علیه حکومت جنایت از صفحه نخست

روزه نامنی و بی تأمینی و حوادث قابل پیشگیری، قربانیان جنایات مختلف، همه قربانیان این حکومت‌اند. جامعه و سیستمی که این حکومت شکل داده عامل تمام جنایات و ناهنجاری‌ها و زخم‌ها و فقدان‌هایی است که به مردم به اشکال مختلف تحمیل می‌شود. این را مردم می‌دانند و می‌بینند و مصمم‌اند با خلاصی از این حکومت به زندگی ای امن و مرفه و انسانی برسند. جنبش دادخواهی یکی از جنبش‌های مهم در این جهت است و باید آن را مورد حمایت همه‌جانبه قرار داد. باتوجه به ابعاد وسیع جنایات حکومت علیه همه بخش‌های مردم، جنبش دادخواهی ظرفیت و پتانسیل گسترش بسیار بیشتری دارد. باید توجه کرد که هنوز همه بازماندگان قربانیان حکومت در درون جنبش دادخواهی حضور ندارند و با آن در ارتباط نیستند. بسیاری از آنها زیر فشار و تهدیدات و یا به دلایل مشکلات متعدد زندگی قادر به فعالیت در درون جنبش دادخواهی نیستند؛ اما طبعاً خود را همراه و پشتیبان جنبش دادخواهی می‌دانند و در برآمدهای مختلف شمار بسیار بیشتری از این بازماندگان به صف جنبش دادخواهی خواهند پیوست.

یک نکته مهم که در پایان این نوشته لازم به تأکید می‌دانم توجه به خانواده‌های قربانیان به اصطلاح "غیرامنیتی" و غیرسیاسی حکومت است. تا آنجا که من می‌دانم جنبش دادخواهی فعلاً بازماندگان آن بخش از قربانیان حکومت را در بر می‌گیرد که به دلایل و بهانه‌های سیاسی و "امنیتی" اعدام شده‌اند یا به قتل رسیده‌اند. اما قربانیان حکومت فقط معترضین و سیاسیون و مخالفین حکومت نیستند. شمار زیادی از افراد و زندانیان به دلایل غیرسیاسی یا اعدام شده‌اند یا همچون کولبران در کوه‌ها و دره‌ها با شلیک مستقیم نیروهای حکومت به قتل رسیده‌اند و امثال اینها. همه اینها خانواده‌ها و بازماندگانی دارند که دادخواهند. معترض‌اند و خشمگین‌اند. اما به‌ویژه اعدام‌شدگان جرائم غیرامنیتی فضای جامعه را برای بازتاب اعتراض و خشم خود مناسب نمی‌دانند. طبعاً بحث بر هم‌ردیف قرار دادن همه قربانیان حکومت نیست. بلکه بحث بر سر این است که اعدام و قتل و ترور و کشتار همگی جنایات حکومت در حق افراد هستند و بازماندگان این جنایات طبعاً خشمگین‌اند و حق دارند و محق‌اند که اعتراض کنند. اگر ما با اعدام و قتل و جنایت به هر شکل آن و به هر دلیلی مخالفیم، و می‌خواهیم کلاً مجازات شنیع اعدام را از جامعه ریشه‌کن کنیم و به حکومت و فضای جنایت برای همیشه پایان دهیم، باید تمام بازماندگان و خانواده‌های قربانیان حکومت را دریابیم و آنها را نمایندگی کنیم و صدایشان را بازتاب دهیم. به‌ویژه باید توجه کرد که بسیاری از اعدام‌های غیرسیاسی نیز در واقع با اهداف سیاسی صورت می‌گیرد. از نظر من جنبش دادخواهی باید این گام مهم را هم بردارد و آغوش خود را بروی خانواده‌ها و بازماندگان همه قربانیان حکومت از جمله اعدام‌شدگان جرائم "غیرامنیتی"، و دیگر قربانیان حکومت بگشاید. چنین تحولی جنبش دادخواهی و همچنین جنبش سرنگونی را یک گام اساسی به‌پیش خواهد برد و آن را بسیار تقویت خواهد کرد. *

می‌خواهند با افشگری و تجمعات و مراسم و اعتراضات مختلف، آدمکشان حاکم را زیر فشار قرار دهند، و ناچار به جوابگویی در دادگاه‌های علنی مردمی کنند. این جنبشی است که به‌طور جدی مصمم است قاتلین و شکنجه‌گران را جوابگوی جنایاتشان کند و جامعه را از آدمکشی و حکومت آدمکشان پاک کند. به همین دلیل جنبش دادخواهی یک جنبش عدالت‌طلبانه، پیشرو و آزادی‌خواهانه است و بخشی از جنبش سرنگونی و انقلاب انسانی ای است که در ابعاد مختلف در جامعه جریان دارد.

علی‌رغم فشارها و تهدیدها و دستگیری‌ها، خانواده‌ها و بستگان جان‌باختگان از مبارزات گسترده و شفاف و ضد حکومتی خود عقب ننشسته‌اند و آشکارا اعلام می‌کنند که به جانان اجازه نمی‌دهند خواب راحت داشته باشند.

جنبش دادخواهی از حمایت وسیع همه اقشار متنوع مردم برخوردار است و از این نظر یک جنبش همگانی است و حلقه پیوند بخش‌های مختلف مردم علیه حکومت است. جنبش دادخواهی به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی دیگر نظیر جنبش علیه اعدام و جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش آزادی زنان و جنبش ضد ستمگری ملی و مذهبی و جنسیتی پیوند مستقیم دارد و تقویت‌کننده این جنبش‌هاست و از این جنبش‌ها نیرو می‌گیرد. در واقع همه این جنبش‌ها با هم پیوند و ارتباط تنگاتنگ دارند. اما جنبش دادخواهی به دلیل ویژگی سراسری و فراگیر خود، و پایبندی به امر پایان دادن به اعدام و زندان و شکنجه، در درون همه این جنبش‌ها مستقیماً حضور دارد و با قشر و منطقه خاصی محدود نیست و با فعالین جنبش‌های سیاسی دیگر مستقیماً در ارتباط است.

این جنبش سازمان‌یافته است و تشکل‌ها و رهبران و فعالین و محافل خود را دارد و فعالیت آنها علیه حکومت در داخل و خارج کشور دامنه دارد.

جنبش دادخواهی همان گونه که اشاره شد یک جنبش سرنگونی‌طلبانه است. حکومت اعدام و قتل و جنایت را باید سرنگون کرد و زخم‌خورده‌ترین بخش مردم از این حکومت، خانواده‌های قربانیان و اعدام‌شدگان و جان‌باختگان هستند که عزیزانشان را این حکومت گرفته است. طبیعی است که این جنبش امر خود را خلاصی از شر حکومت اعدام و زندان و شکنجه قرار دهد. بسیاری از خانواده‌های جان‌باختگان علناً و مستقیماً سرنگونی حکومت جنایت و اعدام را فریاد می‌زنند.

جامعه ایران در حال جدال مستقیم و جنگ مرگ و زندگی با حکومت اسلامی سرمایه‌داران است. قربانیان این حکومت فقط آنها نیستند که مستقیماً به دست جلادان اعدام می‌شوند. بلکه قربانیان فقر، قربانیان محیط کار، قربانیان گرما و بیماری، قربانیان هر

این جهل و اسلام زدگی مردم نبود که اسلام و خمینی را در
کشوری مثل ایران جلو آورد؛ بلکه دولت‌های سرمایه‌داری از
فضای اسلامی در حدی که در ایران از زمان شاه وجود داشت و
آماده شده بود، استفاده کردند و با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی
ای مثل بی‌بی‌سی و غیره که در اختیار داشتند و با تریبون دادن به
دارودسته‌های اسلامی آنها را به میان مردم بردند و بعد با
کنفرانس گوادلوپ خمینی را به قدرت کشیدند. هدفشان هم
این بود که مانع پیشروی مردم و قدرت‌گیری چپ و کارگر در
جریان انقلاب ۵۷ شوند...

(از مقاله کمونیسم و مذهب)



در تدارک گرامیداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و علیه فشارهای امنیتی



نسان نودینیان

۲۲ شهریور ۱۴۰۱ مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد دستگیر و در ۲۵ شهریور در اثر شکنجه و عدم مراقبت پزشکی جان باخت. کمتر از دو ماه مانده به سالگرد قتل حکومتی مهسا امینی حکومت اسلامی سخت‌گیری و فشارهای امنیتی را از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: دستگیری‌های وسیع، تهدید و صادر کردن احکام زندان و محکومیت فعالین اجتماعی، احضار ۵۴ وکیل در بوکان که پیش‌تر (شهریور ۱۴۰۱) بیانیهای را در حمایت از خانواده مهسا (ژینا) امینی منتشر کرده بودند، همچنین دستگیری پدر دادخواه سارینا ساعدی، و حکم "شش ماه و نیم حبس و تحمل ۴۰ ضربه شلاق" به حسن امینی، برادر محمد امینی، معترض کشته شده به دست نیروهای امنیتی، محکومیت صدیق بهمنی، عبدالرحمن نصری و آرمان حبیبی سه نفر از اعضای خانواده‌های دادخواه کردستان بلا شش ماه زندان و ۴۰ ضربه شلاق، حکم زندان و شلاق به هاشم سعیدی از خانواده‌های دادخواه، جان‌باختن ۲۰ زندانی در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ در اثر شکنجه از جمله در زندان‌های گچساران، زاهدان، زابل و گلستان، قتل حصار کرج، زندان مرکزی گلستان، زندان تهران بزرگ، بوکان، سنندج، مهاباد، ارومیه، کرمانشاه، ترور سه نفر از مخالفین در کردستان عراق، همه اینها از وحشت از فوران بیشتر خیزش‌ها در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی صورت می‌گیرد.

برای مقابله با فشارهای نیروهای امنیتی فعالیت‌ها و اعتراضات جمعی کارساز است. اخیراً ۱۰۰ نفر از کنشگران مدنی در کردستان به قتل زندانیان در زندان‌ها که با شکنجه نیروهای امنیتی جان‌باخته‌اند، بیانیهای علنی را منتشر کرده و نهادهای قضایی را مسئول قتل زندانیان مورد خطاب قرار داده‌اند. انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان و سروآباد در محکومیت روند غیرقانونی برخورد با فعالین صنفی و کارگری و کنشگران بیانیهای صادر کرده و مردم کردستان را به دادخواهی دستگیرشدگان فراخوانده است.

فشارهای نیروهای امنیتی با فعالیت‌های جمعی، نهادهای اجتماعی، مدنی، کانون‌های معلمان، انجمن‌های صنفی خنثی خواهند شد.

حکومت اسلامی با تشدید فضای امنیتی این روزها گشت ارشاد و حجاب را مجدداً روانه خیابان‌ها کرده است. مردم به‌ویژه زنان در مقابل حجاب تسلیم نشدند، دامنه بی‌حجابی زنان در شهرها و تردد آنها بدون حجاب و روسری با پوشش اختیاری بی‌حجابی در خیابان و اماکن عمومی وسیع و عمومی شده است. زنان و توده وسیعی از مردم تسلیم حجاب نمی‌شوند. حکومت اسلامی در این عرصه که یک خواست اصلی و مضمونی انقلاب زن زندگی آزادی است شکست خورده است.

تمهیدات و ترتیبات امنیتی حکومت اسلامی اساساً باهدف مقابله با خشم و اعتراضات عمیق اجتماعی مردم است، برای مقابله با خیزش مردمی زن زندگی آزادی است.

برای تدارک سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، با اتکا به تجارب خیزش مردمی آبان و دی‌ماه ۱۳۹۸ و انقلاب جاری باید عمل کنیم. اولین و مهم‌ترین گام، فعالیت در محلات است. محلات محور مهم فعالیت ما برای تدارک روز مهسا است. در محلات ما می‌توانیم با اتکا به روابط اجتماعی فضای اعتراضی را دامن بزنیم. از هم اکنون محلات را با پوسته‌های مهسا (ژینا) امینی تزئین کنیم، و دهها پوسته مهسا و شعار زنده‌باد انقلاب زن

زندگی آزادی را پخش کنیم. تهیه تصاویر جان‌باختگان انقلاب جاری و نصب این تصاویر همراه با پوسته مهسا عملاً گرامیداشت یاد عزیزانی است که در انقلاب توسط رژیم تبهکار و سرکوبگر اسلامی جان‌باخته و اعدام شده‌اند و یا زیر شکنجه نیروهای امنیتی به قتل رسیده‌اند. نصب پوسته مهسا و شعار انقلاب زن زندگی آزادی و تصاویر جان‌باختگان، فعالیتی کاملاً طبیعی است، و گرامیداشت انقلابی است که مدرن‌ترین انقلاب یک قرن گذشته است و از نظر جهانیان شناخته‌شده‌ترین خیزش مردمی با آیکن برجسته انقلاب زنانه، اتحاد و همبستگی مردم را با خود دارد.

شبکه‌های وسیع مدیای اجتماعی متشکل از جوانان و فعالین محلات مختلف برای هماهنگی فعالیت‌های سراسری در سطح شهر را باید ایجاد کرد. پوسته مهسا و انقلاب زن زندگی آزادی را باید تکثیر نمود.

شبکه‌های خبررسانی و ارسال ویدئوهای کم‌حجم به کانال‌های تلگرامی و تلویزیونی‌ها.

کلاً در این دوره فعالیت محله محور اهمیت اجتماعی بالایی دارد. قدرت و نیرو برای بسیج مردم را بالا می‌برد، رابطه دوستی و هم پیمانی و اتحاد ساکنین محلات را تقویت می‌کند و در مدیای اجتماعی محلات نقش مهمی در بسیج نیرو و اتحاد همه مردم خواهد داشت.

دیدارهای همبستگی خانواده‌های جان‌باختگان و دادخواهان در کردستان و در سطح سراسری ایران یکی از راههای مؤثر و انسانی برای کمک به ادامه خیزش مردمی و انقلاب زن زندگی آزادی است.

در چند ماه گذشته دیدارهای همبستگی در شهرهای سقز، سنندج، مهاباد، بوکان، پیرانشهر، کامیاران و دیواندره با شرکت صدها نفر از مردم و خانواده‌های جان‌باختگان و دادخواهان برگزار شده است. این دیدارها همچنان در اشکال مختلف با وجود موانع نیروهای امنیتی از جمله بستن راههای ورود به مزار جان‌باختگان با شور و شغف ادامه دارد. ادامه این دیدارها و وسیع‌تر کردن حلقه همبستگی دیدارهای خانواده‌ها اهمیت بسزایی در فضای انقلابی دارد و ما را برای برگزاری روز مهسا با شرکت وسیع و چند

دههزار نفری مردم تقویت خواهد کرد.

سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی روزی مهم برای گرامیداشت مهسا امینی و تمامی جان‌باختگان انقلاب و ادامه انقلاب است. فراخوان‌های خانواده‌های جان‌باختگان و دادخواهان برای برگزاری تجمعات باشکوه با حمل تصاویر مهسا و جان‌باختگان، گسترده بودن فراخوان‌های خانواده‌های جان‌باخته و دادخواه در سطح سراسری در ایران و ایجاد شبکه وسیع فراخوان به شرکت در مراسم و گرامیداشت روز مهسا و انقلاب زن زندگی آزادی را فراموش نکنیم!

پرداختن به جوانب وسیع‌تر تدارک برگزاری سالگرد مهسا و انقلاب فراتر از ظرفیت این نوشته کوتاه است. تلاش می‌کنیم از کانال‌های مدیای اجتماعی، تلویزیون و نوشته‌های بیشتر به آنها بپردازیم.

به استقبال برگزاری باشکوه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی برویم! همه با هم روز مهسا و شروع مجدد انقلاب را امر خود و جامعه بدانیم! زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

۲۹ تیر ۱۴۰۲





روسیه، جمهوری اسلامی، و مسئله سه جزیره

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید
(با کلیک بر روی عکس، این برنامه قابل مشاهده است)

خلیل کیوان: چین هم هفت ماه قبل موضع مشابهی در رابطه با سه جزیره گرفت و به ادعای امارات در مورد این جزایر اعتبار داد. آیا روسیه و چین سیاست و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند؟

حمید تقوایی: بله می‌شود گفت در این مورد چین پیش‌کسوت بود. در مذاکرات هفت ماه قبل بین چین و عربستان و دیگر کشورهای عربی تنها موضوع حمایت سه جزیره مطرح نبود؛ بلکه چین قراردادهای کلان تجاری و اقتصادی با عربستان و امارات امضا کرد و در عین حال تلاش کرد عربستان و جمهوری اسلامی را به یکدیگر نزدیک کند. می‌توان گفت از سرگیری روابط جمهوری اسلامی با عربستان و امارت که امروز شاهدش هستیم با ابتکار چین شروع شد. موضع چین در مورد جزایر سه‌گانه در واقع نوعی پادرمیانی برای نزدیک کردن دو طرف متخاصم معنی می‌داد. در یک‌روند عمومی‌تر کل این اقدامات را باید جزئی از سیاست بسط نفوذ، بخصوص نفوذ اقتصادی، چین در منطقه به حساب آورد.

در حال همان‌طور که اشاره کردم چین و روسیه بلوکی هستند که سیاست‌ها و اهداف خود را در خاورمیانه دنبال می‌کنند و جمهوری اسلامی را هم به دنبال خود می‌کشند. جمهوری اسلامی به‌خاطر سیاست‌های غرب‌ستیزانه و به‌اصطلاح استراتژی «نگاه به شرق» اش نیازمند دفاع و حمایت از سیاست‌ها و مواضع چین و روسیه است؛ اما عکس قضیه صادق نیست. این جمهوری اسلامی است که به دلیل انزوا و رسوائی جهانی‌اش بخصوص تحت‌فشار انقلاب زن زندگی آزادی ناگزیر است با اتکا به روسیه و چین موقعیتی برای خودش دست‌وپا کند؛ ولی چین چنین نیازی ندارد و روسیه هم گرچه به‌خاطر جنگ اوکراین تحت‌فشار قرار گرفته است؛ اما برای او نیز رابطه با جمهوری اسلامی، حتی در سطح سیاست‌های منطقه‌ای، اهمیت و اولویت ویژه‌ای ندارد. سیاست‌های منطقه‌ای بلوک روسیه - چین مستقل، و در مواردی مغایر، با مواضع و خواست‌های جمهوری اسلامی است و موضع‌گیری‌های اخیر در مورد سه جزیره تأکید دیگری است بر همین روند.

خلیل کیوان: بسیاری از نیروهای اپوزیسیون ناسیونالیست این موضع‌گیری روسیه و بر خورد غیر قاطع رژیم را نشانه خیانت جمهوری اسلامی به منافع ملی و تمامیت ارضی می‌دانند. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: این برخورد ناسیونالیست‌ها را باید در یک متن عمومی‌تری بررسی کرد. این همیشه گفتمان نیروهای اپوزیسیون راست، سلطنت‌طلبان و حتی جمهوری خواهان بوده است که گویا جمهوری اسلامی به «منافع ملی» پایبند نیست، مرز برایش مهم نیست، و کلاً ایران و ایرانیت برایش مهم نیست. حتی بعضی از سلطنت‌طلب‌ها معتقدند این حکومت عرب است، خمینی هندی زاده است و غیره. اینها کاملاً بی‌پایه است. به نظر من جمهوری اسلامی

خلیل کیوان: اخیراً مقامات روسیه به همراه شورای همکاری کشورهای عربی خلیج که به‌اختصار شورای همکاری خلیج هم نامیده می‌شود نشست در مسکو داشته‌اند. در بیانیه پایانی این نشست از «تلاش‌ها و ابتکارات دولت امارات برای حل اختلاف بر سر مسئله جزایر سه‌گانه از طریق مذاکرات دوجانبه یا دادگاه بین‌المللی بر پایه حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد» حمایت شده است. این موضوع مسئله قدیمی مالکیت بر سر جزایر سه‌گانه را دوباره داغ کرده و به بحث‌هایی در میان مقامات حکومتی و نیروهای اپوزیسیون دامن زده است. از جمله صداهایی از درون حکومت می‌شنویم مبنی بر اینکه موضع روسیه از روی سادگی بوده یا بر سر استقلال حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با هیچ طرفی تعارف نداریم. در مجلس هم برخی از نمایندگان در نطق پیش از دستور خودشان به موضع اخیر روسیه و برخورد دولت به این مسئله اعتراض کردند. رسانه‌های حکومتی نوشته‌اند حمایت ایران از روسیه تکیه بر باد است و غیره. با حمید تقوایی در مورد این مسئله گفتگو می‌کنیم.

حمید تقوایی می‌داندیم که جمهوری اسلامی مسئله مالکیت ایران بر این سه جزیره را غیر قابل بحث می‌داند. به نظر شما موضع‌گیری پرو امارات روسیه در مورد این جزایر باتوجه‌به رابطه نزدیک و دوستانه‌اش با جمهوری اسلامی چه دلایلی می‌تواند داشت باشد؟

حمید تقوایی: نکته اول این است که روسیه تلاش می‌کند رابطه نزدیکی با کشورهای عربی منطقه، عربستان و امارات و غیره داشته باشد. این جزئی از استراتژی روسیه است برای تقویت موقعیت خودش در منطقه. به همین خاطر جای تعجبی ندارد که روسیه چنین موضعی بگیرد. گرچه روسیه در جنگ سوریه، در عراق و در دیگر سیاست‌ها و اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه همیشه پشت جمهوری اسلامی بوده و در شورای امنیت و در سازمان ملل همیشه به نفع جمهوری اسلامی رأی داده است، اما سیاست‌های منطقه‌ای‌اش را بر اساس مواضع جمهوری اسلامی تعیین نمی‌کند.

یک هدف روسیه که خود امروز به‌خاطر جنگ اوکراین تحت‌فشار تحریم‌های اقتصادی است این است که روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با کشورهای عربی در منطقه گسترش بدهد. گرچه این کشورها بر خلاف جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی نیز روابط دیپلماتیک و اقتصادی نزدیک و گسترده‌ای دارند، اما در عین حال مایل‌اند بعد از تضعیف موقعیت دولت آمریکا در منطقه و شکل گرفتن نوعی «فضای باز دیپلماتیک» روابط و مناسبات دیپلماتیک - اقتصادی تازه‌ای با چین و روسیه داشته باشند.

البته تا آنجا که به مسئله سه جزیره مربوط می‌شود این اولین بار نیست که کشورهای عربی چنین موضعی می‌گیرند. نکته جدید این است که روسیه از این موضع حمایت کرده است که این هم در متن شرایط و معادلات منطقه‌ای که توضیح دادم کاملاً قابل‌درک است.

روسیه، جمهوری اسلامی، و مسئله سه جزیره
از صفحه ۵

خلیل کیوان: از نظر شما اختلاف بر سر سه جزیره چه راه‌حلی دارد؟

حمید تقوائی: این مسئله هم مثل اختلافات مرزی بین هر دو کشوری بالاخره باید با دخالت مراجع سومی حل‌وفصل بشود. چون اگر به خود این دولت‌ها واگذار کنید مسئله حل نخواهد شد و حتی ممکن است به جنگ و درگیری نظامی منجر بشود. بسیاری از جنگ‌ها با کوبیدن بر طبل ناسیونالیسم و ادعاهای مرزی شروع می‌شود. راه‌حل نهایتاً این است که به شیوه دیپلماتیک مراکز معتبر جهانی، سازمان ملل و غیره، مسئله را بررسی کنند، سابقه تاریخی و نظر و خواست مردم را در نظر بگیرند و بر این مبنا حکم بدهند. این جزیره‌ها جمعیت چندانی ندارند. بزرگ‌ترین جزیره ابوموسی است که کمتر از ۵ هزار نفر جمعیت دارد، و هزار و چند صد نفر هم ساکن تنب‌بزرگ هستند و تنب کوچک هم اصلاً مسکونی نیست. ولی به‌رحال در همین حد هم نظر مردم ساکن این جزایر و اینکه مردم خودشان مایل‌اند شهروند کجا باشند فاکتور مهمی است که باید در نظر گرفته بشود.

مجموعه این فاکتورها به نظر من می‌تواند به طور دموکراتیک و اصولی مسئله را حل‌وفصل کند. از گفتمان‌هایی نظیر اینکه ما خونمان را در راه این سه جزیره می‌دهیم و غیره - که امروز در مדיای اجتماعی نمونه‌های آن را می‌بینیم - بوی نفرت‌پراکنی و جنگ می‌آید. باید با این گرایش‌ها مقابله کرد. باید دولت‌ها متعهد شوند که رأی مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی را بپذیرند. البته انتظار نمی‌رود در دوره جمهوری اسلامی مسئله حل بشود؛ ولی بعد از سرنگونی حکومت، وقتی یک دولت مردمی متکی به آرای مردم و دموکرات روی کار بیاید، طبعاً این می‌تواند جواب مسئله باشد.

۱۹ جولای ۲۰۲۳، ۲۸ تیر ۱۴۰۲

مذهب فقط جهل نیست، خرافه نیست، فقط موعظه بی پایه و بی اساس نیست. مذهب یک سیستم تعصب پراکنی، تفرقه گستری، تسلیم‌طلبی، خشونت و جنایت است. با مذهب می‌شود منطق انسانی را از آدم‌ها گرفت. انسان‌ها را تبدیل به گرگ‌های درنده شیبه داعش و خلخال و لاجوردی کرد. زنان یعنی نیمی از انسان‌ها را از رده انسانی خارج کرد و مورد تبعیض و ستم و توحش قرار داد، با مذهب می‌شود چشم‌ها را بست و عقل و شعور آدم‌ها را از آن‌ها گرفت. با مذهب می‌شود جنگ و کشتار و آدم‌کشی را به لذت تبدیل کرد. با مذهب می‌شود فقر و استثمار و محرومیت را مشیت الهی قلمداد کرد. با مذهب می‌شود دشمنان مردم را دوست و دوستان مردم را تبدیل به دشمن کرد. با مذهب می‌شود مردم محروم را به دنبال چپاول گران زندگی‌شان بسیج کرد و به حرکت در آورد. به دنبال برده‌داران، به دنبال فتودال‌ها و زمین‌داران و اشراف و به دنبال سرمایه‌داران و مفت‌خوران.

این کار کرد مذهب است که باعث می‌شود کمونیست‌ها مخالف

جدی مذهب باشند.

(از مقاله کمونیسم و مذهب)

کمتر از سلطنت‌طلبان ناسیونالیست نیست. به همان اندازه به حفظ مرزهای ایران تأکید دارد. در مورد سه جزیره همیشه اعلام کرده که مالکیت ایران قابل‌بحث نیست. در این مورد اخیراً هم همین موضع را گرفتند گرچه خیلی با ملایمت و نرمی به روسیه برخورد می‌کنند. اگر فرض کنیم این موضع از جانب آمریکا مطرح می‌شد مطمئن باشید شاهد حملات بسیار شدیدتری از جانب مقامات حکومت بودیم. در برخورد به روسیه خیلی دست‌به‌عصا راه می‌روند که این هم به‌خاطر بی‌اهمیتی مرزبوم نزد رژیم نیست؛ بلکه همان‌طور که توضیح دادم به علت نیاز آنها به بلوک روسیه - چین است. در حال تا آنجا که به سه جزیره مربوط می‌شود حکومت همیشه اعلام کرده این جزایر متعلق به ایران است و در مورد اخیر هم بر همین تأکید کردند.

بنابراین، این خط تمایزی که نیروهای راست سعی می‌کند بین خودشان و جمهوری اسلامی ترسیم کنند که گویا جمهوری اسلامی به مقدسات ملی و میهنی و خاک و مرز بی‌توجه است مبنا و اساسی ندارد. جمهوری اسلامی یک حکومت مذهبی است؛ ولی در عین حال هر جا لازم دیده بر طبل ناسیونالیسم و دفاع از مرز و میهن هم کوبیده است. از جمله در جنگ ایران و عراق، جنگی که بین دو "کشور اسلامی" رخ داد، رژیم اساساً با اتکا بر ملامت‌های از "اسلام" بعلاوه عرق ملی و ملی‌گرایی و ایرانی‌ت جنگ را به پیش برد. حتی آن زمان سلطنت‌طلب‌ها حامی جمهوری اسلامی در جنگ بودند و هنوز هم از آن به‌عنوان یک جنگ ملی - میهنی یاد می‌کنند. رضا پهلوی چند سال قبل اعلام کرد حاضر بوده است به‌عنوان خلبان در این جنگ شرکت کند؛ بنابراین تا آنجا که به مقدسات ناسیونالیستی مربوط می‌شود تمایز چندانی بین جمهوری اسلامی و ناسیونالیست‌های اپوزیسیون وجود ندارد.

نکته اساسی این است که از دید توده مردم و از دید نیروهای رادیکال نه مقدسات ملی - میهنی جواب مسئله‌های هست و نه مقدسات مذهبی. چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواست‌های مردم ندارد. مردم، همان‌طور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تأکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تأکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی می‌کنند. خط و سیاستی که همیشه حکومت‌ها دنبال کرده‌اند، و همیشه آرمان و ارزش‌های آزادی‌خواهانه مردم در نقطه مقابل کل این خط و سیاست حکومتی بوده است.

خلیل کیوان: در یک دو ماه اخیر جمهوری اسلامی تلاش کرده است روابط نزدیک‌تری با عربستان و امارات داشته باشد. این موضع‌گیری اخیر روسیه چه تأثیری بر این روابط خواهد داشت؟

حمید تقوائی: به نظرم تأثیر چندانی ندارد؛ چون امارات و کشورهای عربی خلیج همیشه ادعا داشته‌اند که این سه جزیره متعلق به آنها است. از این نظر اتفاق تازه‌ای نیفتاده است.

نکته دیگر اینکه نزدیکی جمهوری اسلامی به این کشورها به‌خاطر انزوایش در منطقه است. همان‌طور که بالاتر اشاره کردم با انقلابی که در ایران در جریان است رژیم شدیداً تحت‌فشار قرار گرفته و در دنیا رسوا و بی‌اعتبار شده است. نزدیکی جمهوری اسلامی به عربستان و امارات از این نظر است؛ رژیم تلاش می‌کند با نزدیکی به این کشورها در منطقه جای پائی برای خودش پیدا کند. کشورهای عربی نیز با امتیازاتی که گرفته‌اند می‌خواهند روابط از سر گرفته شود. از این رو از جانب هیچ یک از طرفین اختلاف بر سر سه جزیره مانعی به حساب نمی‌آید.

سپیده قلیان حاضر به حضور با حجاب در دادگاه نشد

شهلا دانشفر

روز چهارشنبه ۲۸ تیر دادگاه سپیده قلیان که حکومت ناچار شد علنی بودن آن را بپذیرد، به دلیل اینکه سپیده حاضر به پوشش حجاب نشد برگزار نگردید. در شرایطی که حکومت با چماق حجاب می‌کوشد انقلاب را عقب بزند، سپیده با تن‌ندادن به حجاب برای حضور در این دادگاه کل این بساط را به چالش کشید. زنده‌باد سپیده!

دادگاه حکومتی قرار بود بر اساس شکایت آمنه سادات ذبیح پور بازجو - خبرنگار صداوسیما جمهوری اسلامی از سپیده قلیان در ساعت ۹:۳۰ صبح این روز تشکیل شود. سپیده قلیان، پیش‌از این اعلام کرده بود: "خبر جدید چیزی میان خشم و خنده برمی‌انگیزد. با اتهامی که قبلاً هم دادگاه آن برگزار شده است و هم حکم آن صادر، دوباره دادگاهی در شرف برگزاری است. یعنی من به اتهامی که دادگاه احضار شده‌ام که پیش‌تر در آن از سوی شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب رسیدگی شده است." سپس با تأکید بر اینکه در چنین دادگاهی شرکت نخواهد کرد ادامه داده و می‌نویسد: "قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نهادی که تنها در عرض یک سال چندین نفر را در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای به اعدام محکوم کرد و ظرف چند روز حکم را اجراء از دید من نه صلاحیت قضایی دارد و نه مشروعیت. از این‌رو در این دادگاه عجیب شرکت نخواهم کرد." بدین گونه بار دیگر سپیده قلیان با اعتراض علیه زندان و سرکوب و اعدام فریاد اعتراض کل جامعه را نمایندگی کرد.

اما هنگامی که رسانه‌های حکومتی برگزاری علنی دادگاه را در اسکای‌روم و به‌صورت برخط و علنی اعلام کردند. سپیده قلیان با انتشار نامه‌ای اعلام کرد و گفت: "چنانچه می‌دانید اعلام کرده بودم که در دادگاه نمایشی جمهوری اسلامی در پی شکایت بازجو خبرنگار آمنه سادات ذبیح پور شرکت نمی‌کنم. امروز به من ابلاغ کردند که دادگاه من فردا علنی برگزار خواهد شد. از آنجایی که هیچ ترسی از بازگویی



حقیقت در ملاعام ندارم، تصمیم گرفتم در این بیدادگاه شرکت کرده و از خودم دفاع کنم. امیدوارم در میان خیل امنیتی کاران خبری و فرهنگی‌شان، خبرنگاران و فعالانی را در این بیدادگاه ببینم که به سراغ حقیقت آمده‌اند."

اتفاق مهم دیروز این است که "دادگاه" سپیده قلیان به دلیل تن‌ندادن او به حجاب برگزار نشد. با این اقدام شجاعانه سپیده قلیان بار دیگر صدای رسای انقلاب زن، زندگی، آزادی را به گوش جهان رساند. در مقابل این عمل شجاعانه سپیده قلیان مسئولین دادگاه اعلام کردند: "علی‌رغم حضور ریاست دادگاه و نماینده دادستان و نماینده شاکی و انتظار کافی و طولانی مدت دادگاه و نظر به اینکه متهم سپیده قلیان با عنایت به توصیه‌های فراوان حاضر به رعایت حجاب نشد؛ لذا جهت تشکیل جلسه به دادگاه اعزام نشد." این اظهارات و کل این جریان نشان دیگری از شکست حکومت در برابر جامعه‌ای است که ایستاده است و کوتاه نمی‌آید. حتی درون زندان‌ها را نیز به مرکز اعتراض و مقابله با حکومت تبدیل کرده است.

اما نگاهی به سابقه ماجرا داشته باشیم. شاکی پرونده جدیدی که برای سپیده قلیان تشکیل شده آمنه سادات ذبیح پور خبرنگار کنایه صداوسیما جمهوری اسلامی است.

سپیده قلیان در سال ۱۳۹۷ در جریان دستگیری اسماعیل بخشی و سرکوب

اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه به جرم دفاع از مبارزات این کارگران بازداشت شده و در زیر شکنجه‌های شدید مجبور به اعترافات اجباری علیه خود شده بود. او پس از آزادی از زندان با قید وثیقه با تأکید بر اینکه آمنه سادات ذبیح پور، خبرنگار برنامه بیست و سی در اعتراف‌گیری از وی مشارکت داشته اعلام کرد: "در مراحل تولید "طراحی سوخته"، شخص خاتم آمنه سادات ذبیح پور، در اتاق بازجویی حضور داشت تا پس از ساعت‌ها شکنجه‌ی جسمی و روحی، متنی را از قبل آماده کرده بود، برای خواندن در مقابل دوربین، در اختیار ما بگذارد." او سپس در دی‌ماه ۹۸ از آمنه سادات ذبیح پور به دادگاه شکایت کرد. اما این شکایت به سرعت مخومه اعلام شد. در عوض در ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، به شکایت آمنه سادات ذبیح پور برای سپیده قلیان پرونده جدیدی گشوده شد.

سپیده قلیان سرانجام به ۵ سال حبس محکوم و در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ راهی زندان شد. او سپس در جریان آزادی شماری از بازداشت‌شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی در زیر فشار اعتراضات مردم در ۲۴ اسفند آزاد شد. اما بلافاصله بعد از آزادی در همبستگی با اعتراضات مردمی در مقابل زندان بدون حجاب فریاد زد و گفت: "خامنیه‌ای ضحاک، می‌کشیم زیر خاک". به دنبال آن پس از چند ساعت آزادی، دوباره در مسیر سفر به خانه‌اش بازداشت و زندانی شد. سپیده قلیان که برای محاکمه مجدد احضار شده بود در ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ با انتشار متنی از داخل زندان گفت تا زمانی که "حکومت اعدام

اسلامی بر سرکار است و کاشفان فروتن چشمه و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی هستند"، در هیچ دادگاهی شرکت نخواهد کرد. سپیده قلیان سپس در چهاردهم اردیبهشت ۱۴۰۲ به دو سال دیگر حبس محکوم شد.

به دنبال همه این ماجراهاست که سپیده قلیان روز گذشته بیست و هشتم تیرماه با اتهاماتی چون "نشر اکاذیب در فضای مجازی" و "فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی در

فضای مجازی" به مجتمع قضایی کجویی تهران احضار شد.

سپیده قلیان دختری شجاع و رزمنده و به طور واقعی صدای انقلاب زن زندگی آزادی است. سپیده قلیان باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود. صدای سپیده قلیان باشیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۹ تیر ۱۴۰۲

زندانی سیاسی آزاد! باید گرو!

اطلاعه‌های هفته اخیر

به نجات رفیق سلیمی برخیزیم!

مردم مبارز سنندج و کردستان! نهادهای انسان دوست، سازمان‌های سیاسی!

روز یکشنبه ۲۵ تیرماه در بیدادگاه رژیم در سنندج دادگاه رفیق سلیمی برگزار می‌شود. همراه با بستگان رفیق سلیمی در محل برگزاری دادگاه او شرکت کنید.

رفیق سلیمی، فعال کارگری، روز ۷ آذر ۱۴۰۱ همراه با پسرش فؤاد دستگیر شد و پس از مدتی شکنجه در بازداشتگاه‌های اداره اطلاعات به زندان مرکزی سنندج منتقل شد و روز ۲۷ فروردین امسال به اتهام "ایجاد گروه‌های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت کشور" به "فساد فی الارض" متهم شده است. رفیق سلیمی کلیه این اتهامات را رد کرده است. او بیمار است و نیاز به رسیدگی پزشکی و دسترسی روزانه و درمان دارد و از دسترسی به وکیل و ملاقات خانواده محروم بوده است. فؤاد پسر رفیق سلیمی پس از مدتی اذیت و آزار با قید وثیقه آزاد شده و اکنون قرار است دادگاه دوم رفیق سلیمی در روز ۲۵ تیر برگزار شود.

رفیق سلیمی شایسته حمایت گرم همه ما است. می‌توانیم و باید به نجات او برخیزیم و مانع صدور احکام سنگین و هر حکمی علیه او شویم. مردم کردستان تجارب گران‌بهایی از مبارزه در دفاع از زندانیان سیاسی دارند و باید با تمام قوا به یاری رفیق سلیمی برخیزند. یکی از مؤثرترین اقدامات تجمع در مقابل دادگاه در روز یکشنبه ۲۵ تیر است. همراه با خانواده‌اش در مقابل دادگاه حاضر شویم و خواهان آزادی فوری او شویم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همه مردم کردستان می‌خواهد که این وظیفه را جدی بگیرند و نشان دهند که عزیزان خود را تنها نمی‌گذارند. نشان دهند که در مقابل هر ظلم و جنایتی قد علم می‌کنند و از عزیزان خود با تمام قوا حمایت می‌کنند. جوانان، دانشجویان، فعالین اجتماعی و سیاسی، فعالین کارگری، خانواده‌های دادخواه و همه مردم معترض در سنندج و سایر شهرهای کردستان روز محاکمه رفیق سلیمی را می‌توانند به‌روز یک مبارزه گسترده تبدیل کنند و نشان دهند که همبسته و متحد کنار هم ایستاده‌اند و از عزیزان زندانی خود دفاع می‌کنند.

از همه مردم آزاده در سراسر کشور، از کلیه تشکل‌ها و نهادهای کارگری، معلمان و دانشجویان و از چهره‌های شناخته شده و مردمی دعوت می‌کنیم مردم سنندج و کردستان را در مبارزه برای رهایی این فعال کارگری تنها نگذارند و به یاری او بشتابند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ تیرماه ۱۴۰۲

اطلاعه‌ها برگزاری کنفرانس تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری

کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای یکشنبه ۲۵ ژوئن و همچنین یکشنبه ۲ جولای به صورت آنلاین با حضور بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای کمیته خارج حزب برگزار گردید.

روز اول به سمینار حمید تقوایی در مورد "متد و سیاست عملی ما در خارج کشور" اختصاص داشت. او در این سمینار بر دخالت‌گری فعال حزب در تجمعات و تظاهرات خارج کشور تأکید کرد و گفت حزب باید در ادامه فعالیت‌های دهم‌ماه گذشته خود همچنان باهدف تأثیرگذاری بر مضمون و شعارها و سیاست‌های حاکم بر تظاهرات و همچنین حضور چشمگیر و قابل‌مشاهده در تجمعات اعتراضی، فعالانه در آکسیون‌ها حضور داشته باشد و بکوشد با فراخوان‌های تشکیلات خارج حزب و در همراهی با نهادهای مورد حمایت حزب مبتکر سازماندهی آکسیون‌های اعتراضی در کشورهای مختلف باشد. او همچنین تأکید کرد که در شرایطی که تجمعات خیابانی با افت نسبی رووبروست ما باید بکوشیم پرچم انقلاب زن زندگی آزادی را در خارج کشور برافراشته نگاهداریم.

روز دوم کنفرانس به گزارش سیاوش مدرسی دبیر تشکیلات خارج و دبیران کمیته‌های کشوری و شهری و همچنین مسئولین واحدها و نهادهای مورد حمایت حزب اختصاص داشت. این کمیته‌ها و نهادها در مورد برنامه‌ها، پروژه‌ها و سیاست‌های خود در بین دو کنفرانس گزارش دادند و به‌ویژه توضیح دادند که چگونه در فاصله ۱۰ ماه انقلاب زن زندگی آزادی فعالیت‌ها و کارزارهای خود را با این انقلاب همگام و هماهنگ کرده‌اند. به دنبال این گزارش‌های اعضا و کادرهای شرکت‌کننده در کنفرانس حول فعالیت‌های تشکیلات خارج در دوره گذشته به بحث و تبادل نظر پرداختند. در دوره اخیر به‌ویژه ۱۰ ماه گذشته تشکیلات خارج کشور حزب دوران بسیار پر تحرکی داشته و نقش مهمی در تقویت انقلاب زن زندگی آزادی و اشاعه سیاست‌های راهگشا و انقلابی ایفا کرده است که در صحبت تک‌تک حاضرین در کنفرانس خود را نشان می‌داد.

در ادامه پلنفرم آتی تشکیلات خارج کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در پایان کنفرانس انتخابات کمیته جدید برگزار شد که ۱۵ نفر از رفقای زیر به عضویت کمیته انتخاب شدند: سیامک بهاری، امیر توکلی، میلاد رباعی، میلاد رسایی منش، سیامک زارع، محمد شکوهی، سودابه شکیب، جمال صابری، اصغر کریمی، ناصر کشکولی، صدف کورش نیا، عباس ماندگار، عظیم مطور، عطیه نیک‌نفس و بابک یزدی. کنفرانس پس از دو روز بحث و تبادل نظر فعالانه حاضرین با صحبت اختتامیه سیاوش مدرسی به پایان رسید.

کمیته جدید بابک یزدی را بعنوان دبیر کمیته انتخاب کرد. کنفرانس در پایان نیز از زحمات بی‌وقفه و تلاش‌های مداوم سیاوش مدرسی در دوره گذشته و به‌ویژه در ده ماه اخیر انقلاب زن زندگی آزادی قدردانی کرد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ جولای ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری
ایران پیوندید!



اعوان قتل محمد رسولی است!

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر

و یک خبر دیگر

امروز یکشنبه ۲۵ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود مثل یکشنبه‌های گذشته دست به تجمع و اعتراض زدند. این تجمعات در این روز در شهرهای کرمانشاه، شوش، اهواز و شهرهای دیگری برگزار شد. در شوش بازنشستگان شوش و کرخه و هفت‌تپه گردآمده بودند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون"، "تورم گرانی بالای جان مردم"، "خواست ما حقوق طبق تورم"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "کشتی بازنشسته دیگر به گل نشسته"، "کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، و "بازنشسته بیا خیز، علیه فقر و تبعیض". در شوش کارگران با خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی عزم خود را برای تداوم مبارزاتشان تا رسیدن به حقوق خود اعلام داشتند.

بازنشستگان تأمین اجتماعی اعلام کرده‌اند که تا وقتی خواسته‌هایشان پاسخ نگیرد به تجمعاتشان ادامه می‌دهند و یکشنبه‌ها را به‌روز اعتراض هفتگی خود تبدیل کرده‌اند. همسان‌سازی حقوق و افزایش آن به بالای خط فقر سی‌میلیونی، درمان رایگان، و پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها از جمله خواسته‌های اعلام شده این کارگران است. بازنشستگان تأمین اجتماعی همچنین به مصوبه مزدی شورای عالی کار و برنامه توسعه هفتم که تعرضی به معیشت کارگران و کل جامعه است اعتراض دارند.

در این روز همچنین بازنشستگان صنایع فولاد در مقابل صندوق فولاد در این شهر تجمع کردند و خواستار اجرای هر چه سریع‌تر همسان‌سازی، درمان رایگان و حقوق برابر با سبب معیشت و دیگر مطالبات اعلام شده خود شدند.

حرکت اعتراضی دیگر در این روز از سوی کارگران مجتمع فولاد گیلان در پی مرگ یک کارگر در اثر نامنی محیط کار و تبعیض علیه پرسنل انجام گرفت. کارگران اعلام کرده‌اند که اگر به وضعیت اسفناک معیشتی و کاری آنها رسیدگی نشود دست از کار کشیده و به سمت استانداری راهپیمایی می‌کنند. بنا بر خبر روز شنبه ۲۴ تیر دو کارگر شاغل در بخش عمران کارخانه فولاد گیلان حین انجام کار دچار سانحه شده و در مخزن شش‌متری روغن سقوط کردند. هر دو کارگر از تکنسین‌های باتجربه بخش عمران کارخانه بودند که حین کار با ریزش ناگهانی بتن روی سرشان از ارتفاع به داخل چاله روغن سقوط کردند و بلافاصله یکی از آنها به اسم رحمان قربان زاده جان خود را از دست داد و دیگری با وضعیت وخیم جسمی مصدوم و برای درمان به بیمارستان پور سینای رشت انتقال پیدا کرد و هنوز از وضعیت جسمی‌اش خبری در دست نیست.

حزب کمونیست کارگری جان‌باختن رحمان قربان زاده را به خانواده وی و همکارانش تسلیت می‌گوید. کارگران مسببان این جنایت آشکار را می‌شناسند و اعتراض امروز آنها علیه این وضعیت نابسامان محیط‌های کاری است که هر روزه دارد قربانی می‌گیرد. مراسم گرامیداشت رحمان قربان زاده را باید به صحنه دادخواهی علیه این جنایت آشکار صاحبان سرمایه و اعتراض به نامنی محیط کار که مسبب اصلی آن حکومت است، تبدیل کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ تیر ۱۴۰۲، ۱۶ جولای ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان مخابرات در ادامه

دوشنبه‌های اعتراضی

امروز ۲۶ تیر بازنشستگان مخابرات بار دیگر در چندین شهر در اعتراض به فقر، گرانی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهام‌داران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون کرمانشاه، سنندج، رشت، ساری، ارومیه، اهواز و مشهد برگزار شد. در این روز بازنشستگان مخابرات در شهرهای ارومیه و اهواز راهپیمایی کردند و شعار دادند.

بازنشستگان شعار می‌دادند: "گرانی تورم بالای جان ما شد"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "تا حق خود بگیریم هر روز همین بساط است"، و "مخابرات حیا کن، حق ما رو ادا کن".

بازنشستگان به گرانی کمرشکن و فقر و وضع بد معیشتی و بالا کشیدن حق و حقوقشان توسط سهام‌داران عمده مخابرات و نهاد چپاولگر موسوم به "ستاد اجرایی فرمان امام" اعتراض دارند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق به بالای خط فقر سی‌میلیونی، و درمان رایگان دو خواست فوری بازنشستگان مخابرات است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ تیر ۱۴۰۲، ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۳

تجمعات معلولین و بازنشستگان تأمین اجتماعی

در چندین شهر

امروز یکشنبه بیست و پنجم تیرماه شماری از افراد دارای معلولین در شهرهای اردبیل، کرمان و تهران در اعتراض به وضعیت اسفناک معیشتی، عدم اجرای پنج‌ساله قانون معلولان و عدم لحاظ حقوق افراد دارای معلولیت در برنامه توسعه هفتم کشور تجمع کردند. در این رابطه معلولین بارها تجمع اعتراضی داشته‌اند.

در این روز همان‌طور که قبلاً گزارش کردیم شمار زیادی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر تهران، رشت، اهواز، شوش و کرمانشاه تجمع کردند. این تجمعات در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان از جمله اجرای همسان‌سازی حقوق و افزایش آن به بالای خط فقر سی‌میلیونی و درمان رایگان برگزار شده است. در تهران بازنشستگان تأمین اجتماعی در مقابل مجلس تجمع کردند و با شعارهای "گرانی تورم بالای جان مردم" و "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" به وضعیت معیشتی خود اعتراض کردند. در کرمانشاه بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری با هم تجمع داشتند و در شوش بازنشستگان از شهرهای شوش، کرخه و هفت‌تپه تجمع داشته و دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند. از خواسته‌ها و مبارزاتشان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ تیر ۱۴۰۲، ۱۶ جولای ۲۰۲۳



نه به احمد!

تجمعات بازنشستگان کشوری در شهرهای مختلف

کشوری، لشکری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد

روز ۲۷ تیر بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراض خود علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی دست به تجمع و اعتراض زدند. بنا به گزارشات تانکونی این تجمعات در شهرهای سنندج، قزوین، اصفهان، همدان، کرمانشاه، کرج، همدان، شیراز و یزد برگزار شدند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "رسول بدقی آزاد باید گردد"، "گرانی تورم، بلای جان مردم"، و "عدالت، معیشت، شعار پر رنگ ماست".

در این تجمعات همچنین بنه‌هایی از عکس معلمان زندانی و خواسته‌های معلمان توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد.

بازنشستگان خواسته‌های مشترکی دارند و این خواسته‌های مشترک مبارزات آنها را به هم پیوند نزدیکتری می‌دهد. بخصوص با طرح ادغام صندوق‌های بازنشستگی به دلیل ورشکستگی این صندوق‌ها و تعرض بیشتر به معیشت آنها در برنامه موسوم به "برنامه توسعه هفتم" و مصوبه مزدی شورایی کار اهداف مبارزاتی مشترک بیشتری جلو آمده اند که مبارزه سراسری و مشترک و متحد همه بازنشستگان را می‌طلبد. مخصوصاً باید توجه کرد که از هیجده صندوق بازنشستگی هفده صندوق به ورشکستگی رسیده است و این گوشه‌ای از بساط دزدسالار حاکم را بازتاب می‌دهد که معیشت و زندگی بیست میلیون بازنشسته را که ممر درآمدی جز حقوق بازنشستگی ندارند به خطر انداخته است. اکنون از کسری بودجه ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی صندوق بازنشستگی سخن گفته می‌شود.

در تجمعات و اعتراضات امروز بازنشستگان لشکری و کشوری در اردبیل در کنار هم و متحدانه اعتراض و تجمع داشتند. در کرمانشاه نیز در این هفته بازنشستگان تامین اجتماعی، کشوری و لشکری با هم تجمع بر پا کردند و در کرمانشاه بازنشستگان شعار می‌دادند: "کشوری، لشکری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد".

اجرای همسان سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر سی میلیونی و درمان رایگان دو مطالبه فوری همه بازنشستگان است. خواسته‌های بازنشستگان و اعتراض آنها به فقر و بی‌تامینی موضوع اعتراض همه مردم است. اعتراضات گسترده بازنشستگان در متن شرایط پر تلاطم جامعه یک اتفاق سیاسی مهم است. از این مبارزات باید فعالانه حمایت و پشتیبانی کرد و صدای بازنشستگان را وسیعاً بازتاب داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ تیر ۱۴۰۲، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۳

عباس دریس کارگر زندانی در خطر فوری اعدام قرار دارد

عباس دریس کارگری زندانی و از بازداشت‌شدگان سال ۹۸ است و خطر مرگ او را تهدید می‌کند. او شاهد زنده کشتار وحشیانه معترضین در نيزارهای ماهشهر و به رگبار بستن معترضین در آنجا در سال ۹۸ توسط نیروهای جنایت‌کار حکومت بوده است. او در جریان این درگیری به همراه برادرش محسن و شماری از معترضین دیگر ماهشهر وحشیانه تعرض قرار گرفته و دستگیر شدند. عباس با یک پرونده‌سازی کاذب با اتهاماتی همچون "مبارزه، اخلاص در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو" به اعدام محکوم گردید. اکنون دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم ظالمانه اعدام عباس را تأیید کرده است. و این بدان معناست که جمهوری اسلامی مصمم است او را اعدام کند. باید به نجات جان او شتافت. در این رابطه علی دریس فرزند بزرگ و شانزده‌ساله عباس دریس در نامه‌ای خطاب به جهانبان خواستار حمایت و پشتیبانی برای نجات جان پدرش شده است. علی دریس می‌نویسد: "مردم مهربان دنیا! من علی دریس

بزرگ‌ترین فرزند عباس و کفایه هستم. متأسفانه مادرم با شنیدن خبر احتمال محکوم‌شدن پدرم به اعدام، سگته کرد و ما را تنها گذاشت. اکنون پدرم در خطر اعدام‌شدن هست، من و برادرانم مهدی دوازده‌ساله و محمد که هشت سال دارد، می‌پرسیم آیا این دنیا آن قدر بی‌رحم است که نگاه کند ما پدرمان را هم از دست بدهیم؟ ما سه کودک از همه سازمان‌ها، دولت‌ها و مردم مهربان دنیا و حتی کودکان در دنیا می‌خواهیم کمک کنند پدرم اعدام نشود. این خیلی وحشتناک است، کمک کنید پدرم به خانه برگردد. علی دریس شانزده‌ساله". ما موظفیم به تقاضای این کودک پاسخ دهیم. بیایید فعالانه صدای عباس دریس و خانواده‌اش در سطح جهان شویم.

بعذارین نامه علی دریس از اینکه نامه او پخش و صدایش شنیده شد، ابراز تشکر می‌کند و از وضع خودش و خانواده‌اش می‌گوید. از این می‌گوید که به‌خاطر نیاز خانواده ناگزیر در کلاس یازده تحصیل را رها کرده و دو برادر کوچک‌ترش نیز نتوانسته‌اند به مدرسه بروند و مادر بزرگش نیز پیر و نابینا است. او می‌نویسد که یک سال است به سر خاک مادرشان نرفته‌اند به‌خاطر اینکه مادرشان در اهواز به خاک سپرده شده است و به ملاقات پدرشان نیز نرفته‌اند. چون پدر قبول نکرده و گفته که اینجا جای خوبی نیست. نامه‌های علی دریس و سرنوشت خانواده عباس دریس یک تراژدی آشکار و گوشه‌ای از جنایات وحشیانه حکومت اسلامی در حق مردم این کشور است. با تمام قوا به نجات جان عباس دریس بشتابیم. عباس دریس حلقه اتصال خیزش آبان ۹۸ به انقلاب زن زندگی آزادی است. در سطح سراسری و با کارزاری قدرتمند جلوی این جنایت را باید گرفت.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی سیاسی از تمام اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست در سطح جهان انتظار دارد که وسیعاً از این کارزار حمایت کنند و بر جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا عباس دریس بدون قید و شرط آزاد شود.

گفتنی است که در سال گذشته در جریان جنبش کفالت زندانیان سیاسی از سوی شخصیت‌های سیاسی جهانی، لوکاس هامر عضو پارلمان اتریش کفالت عباس دریس را برعهده گرفته بود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش کرد که با تأیید حکم اعدام دریس خبر آن را به تمامی نهادهای کارگری و انسان‌دوست برساند. از جمله طی نامه‌ای لوکاس هامر وکیل سیاسی او را مطلع ساخت. در اعتراض به تأیید حکم اعدام عباس دریس، لوکاس هامر با نصب عکس عباس دریس بر در سفارت جمهوری اسلامی در اتریش و به دست گرفتن عکس او، بر لغو حکم اعدام این کارگر زندانی تأکید کرد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش می‌کند این کارزار را با قدرت در سطح جهان به جلو ببرد. عباس دریس و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند.

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۲ تیر ۱۴۰۲، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۳

آزادش کنید!

FREE THEM NOW

HELP SAVE ABBAS DERIS

#StopExecution

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

محکومیت سارا سیاهپور عضو کانون صنفی معلمان به شش سال زندان

گزارش‌ها حاکی از این است که حکم شش سال زندان برای سارا سیاهپور، معلم و عضو کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و فعال در استان البرز از سوی دادگاه تجدیدنظر اسلامی تأیید شده و به شعبه یک اجرای احکام زندان ارسال گردیده است.

سارا سیاهپور به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به پنج سال حبس و از بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس، محکوم شده است. او همچنین به دو سال ممنوع‌الخروجی از کشور، دو سال ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی، و فعالیت در فضای مجازی محکوم گردیده است. سارا سیاهپور در شهریور ۱۴۰۱ توسط نیروهای اطلاعات "سپاه تارالله" بازداشت و سپس با قید وثیقه و به صورت موقت آزاد شد. پیش‌تر اندی فیلمور، سیاستمدار و عضو پارلمان کانادا، کفالت سیاسی سارا سیاهپور را بر عهده گرفته بود. این سیاستمدار دادگاه این معلم را "یک دادگاه ساختگی" خواند. یک کارزار مهم معلمان کارزار برای آزادی همه معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است.

فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش می‌کند که صدای معلمان در سطح جهان باشد. حکم صادره برای سارا سیاهپور یک حکم ضدانسانی و سرکوبگرانه است و باید لغو گردد. تمامی احکام امنیتی برای فعالین سیاسی باید لغو شود. راه پایان دادن به سرکوبگری‌ها و پرونده‌سازی‌های امنیتی حکومت اعتراضات سراسری است. با قدرت اعتراضات خود و فشار بر کرده حکومت منفور و سرکوبگر می‌توانیم در زندان‌ها را باز کنیم.

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۱ تیر ۱۴۰۲ ۱۲ جولای ۲۰۲۳



تشدید دستگیری‌ها را شدیداً محکوم میکنیم

- کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا European trade unions confederation که ۴۵ میلیون کارگر را در ۸۹ کنفدراسیون اتحادیه‌ای و ۱۰ فدراسیون در ۳۹ کشور اروپا نمایندگی می‌کند، طی دو پیام جداگانه حمایت خود را از نسرين جوادی کارگر بازنشسته و جعفر ابراهیمی از معلمان زندانی اعلام کرد. در پیام این کنفدراسیون در رابطه با نسرين جوادی چنین آمده است: "نسرين جوادی این زن مدافع حقوق انسانی، در زمینه حقوق کارگری و بازنشستگان فعالیت می‌کند. او در حال تحمل حکم ۵ سال حبس در زندان اوین است. نسرين با بیماری‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ اما از درمان پزشکی در بیمارستان محروم شده است. ما خواستار آزادی و مرخصی درمانی او هستیم."

این کنفدراسیون در پیام خود در رابطه با جعفر ابراهیمی می‌نویسند: "جعفر ابراهیمی معلم، مدافع حقوق بشر و بازرگ کانون صنفی معلمان است. جعفر در جریان یورش به منزلش با خشونت دستگیر شد. اتهام او "تبلیغ علیه نظام" عنوان شده و به بیش از ۴ سال زندان محکوم شده است. او باید فوراً آزاد شود."

- بامداد روز چهارشنبه ۲۱ تیر ربهوار عبداللهی فعال کارگری در نزدیکی "حسین‌آباد" از توابع دیواندره توسط نیروهای امنیتی شهر سنندج دستگیر شده و به مکان نامعلومی منتقل شد. صدیق ریحانی کارگر نانوايي و یکی دیگر از فعالین کارگری در شهر سنندج است که او نیز از هفته گذشته توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شده و اطلاعی از او در دست نیست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) این آدم‌ربایی آشکار را محکوم کرده و بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط ربهوار عبداللهی و صدیق ریحانی تأکید می‌کند. در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی در وحشت از برآمد دوباره خیزش‌ها آن‌هم در شهر سنندج که یک کانون داغ اعتراضات مردمی است، بر احضارها و دستگیری‌هایش در این شهر و در کردستان شدت داده است.

- بنا بر خبرهای منتشر شده جلسه دادگاه رفیق سلیمی از فعالین کارگری سنندج روز یکشنبه ۲۵ تیر برگزار می‌شود. او از هفتم آذرماه ۱۴۰۱ بازداشت شد و در زندان مرکزی سنندج زندانی است. رفیق سلیمی در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ به دادگاه احضار شد و توسط دادستان حکومتی بنام نقی‌زاده به اتهام "ایجاد گروه‌های غیرقانونی و اقدام علیه امنیت ملی کشور" به مفسد فی الارض تهمین اتهام شد. تمامی اتهامات ذکر شده را رفیق سلیمی رد کرده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی پرونده‌سازی علیه فعالین کارگری و مردم معترض را شدیداً محکوم کرده و بر آزادی فوری رفیق سلیمی تأکید دارد.

- طبق اخبار منتشر شده هاشم خواستار معلم بازنشسته و از زندانیان سیاسی در زندان وکیل‌آباد مشهد، از سوی دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به اتهام توهین به خامنه‌ای و تبلیغ علیه نظام با پرونده جدیدی به ۲ سال و ۶ ماه زندان دیگر محکوم شده است. هاشم خواستار روز ۲۰ مرداد ۱۳۹۸ بازداشت و سپس در شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی منصوری به ۱۶ سال زندان، ۳ سال تبعید و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید گردید.

با اتحاد و همبستگی سراسری و جهانی می‌توانیم حکومت زندان و شکنجه و اعدام را عقب برانیم.

<https://free-them-now.com/>

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۱ تیر ۱۴۰۲ ۱۲ جولای ۲۰۲۳

زندانی سیاسی آزادو بایدگروو!

اعضای کمیته خارج حزب کمونیست کارگری ایران به ترتیب الفباء



جمال صابری

سودابه شکیب

محمد شکوهی

سیامک زارع

میلاد رسائی منش

میلاد رابعی

امیر توکلی

سیامک بهاری



بابک یزدی

عطیه نیک نفس

عظیم متور

عباس ماندگار

صدف کورش نیا

ناصر کشکولی

اصغر کریمی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>تلگرام: https://t.me/wpi_hkki<https://www.wpiran.org/><https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiranاینستگرام: www.instagram.com/wpi91تلگرام: telegram.me/wpi_hkkiوبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com